

یادی از استاد حسین میرخانی

معنویت، راز تحرک هنر

بمناسبت فوت سید محمد حسین

میرخانی، استاد مسلم هنر

خوشنویسی ایران در بعد از ظهر

روز دوشنبه یازدهم خرداد ماه،

یکهزار و سیصد و شصت و یک



که وسیله کتابت قرآن کریم بوده است. همچنین در بسیاری موارد دیگر خوشنویسی بعنوان «هنر» - آن هم به دلیل قابلیت‌های آن در ساختن تصاویر زیبا - کاربرد فرهنگی نیز داشته است. بنابراین ارزش و اهمیت خط-نویسی تا آن حد است که یکی از اصیل‌ترین هنرهای اسلامی بشمار می‌آید.

در ایران خوشنویسی حوزه وسیعی از هنر را در اختیار دارد، انواع گوناگون دارد و شیوه‌ها و سبک‌های خاص خود. تا قرن سوم هجری انواع خطوط منجمله خط کوفی

بی‌گمان میان هنرها، خط والاترین و ارزشمندترین و شاید بزرگترین اختراع بشر تا به امروز بوده است. این هنر حیرت‌انگیز که توانسته است بار تفکر و تاریخ را بدوش کشد، طی قرون و اعصار، تحول و تکامل یافته و در عصر وزمانی ارزش و اعتبار خاص خود را محفوظ داشته است.

هنر خوشنویسی یکی از بزرگترین و ارزنده‌ترین هنرهای اسلامی است. خوشنویسی در ایران و دیگر کشورهای اسلامی طی سالهای بسیار این اعتبار و امتیاز را داشته

رایج بود، اما در همین قرن خطاطی نخستین بار تحول و تغییر یافت. ابوعلی محمد بن حسین بن مقله، معروف به «ابن مقله» و ملقب به «قدوة الكتاب» از خط کوفی شش نوع خط دیگر اقتباس کرد که عبارتند از: محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، رقاع که به اقلام سته شهرت دارد. از این پس خط راه تکامل و تحول پیمود و به ترتیب از تلفیق در خط نسخ، تعلیق، نستعلیق و بعدها شکسته نستعلیق هم پدید آمد. و همراه با این تحولات هنرمندانی نیز پیدا شدند که معروفترین آنها عبارت بودند از: میرعماد قزوینی، میرزارضای

الحسینی به اتفاق نظر خط‌شناسان یکی از خوشنویسان مسلم معاصر در خط نستعلیق، و از مفاخر هنر خط ایران در روزگار ما بود. میرخانی در سال ۱۲۸۶ شمسی در تهران بدنیا آمد. پدرش مرحوم آقاسید مرتضی برغانی نیز از خوشنویسان معروف عصر خویش و از شاگردان میرزا محمد رضا کلهر (قدوة الكتاب) بود. مرحوم میرخانی نزد پدرش تعلیم خط را آغاز کرد و از یازده سالگی به کار کتابت پرداخت و در تحریر ریز و درشت نستعلیق به مهارت رسید.

استاد میرخانی چهل و پنج سال از هفتاد



کلهر و میرزا غلامرضا اصفهانی که در خط نستعلیق، میرزا احمد نیریزی در خط نسخ، یاقوت المستعصمی و بایسنغر میرزا در خط ثلث، درویش عبدالمجید و سید گلستانه در خط شکسته، تبحر داشتند.

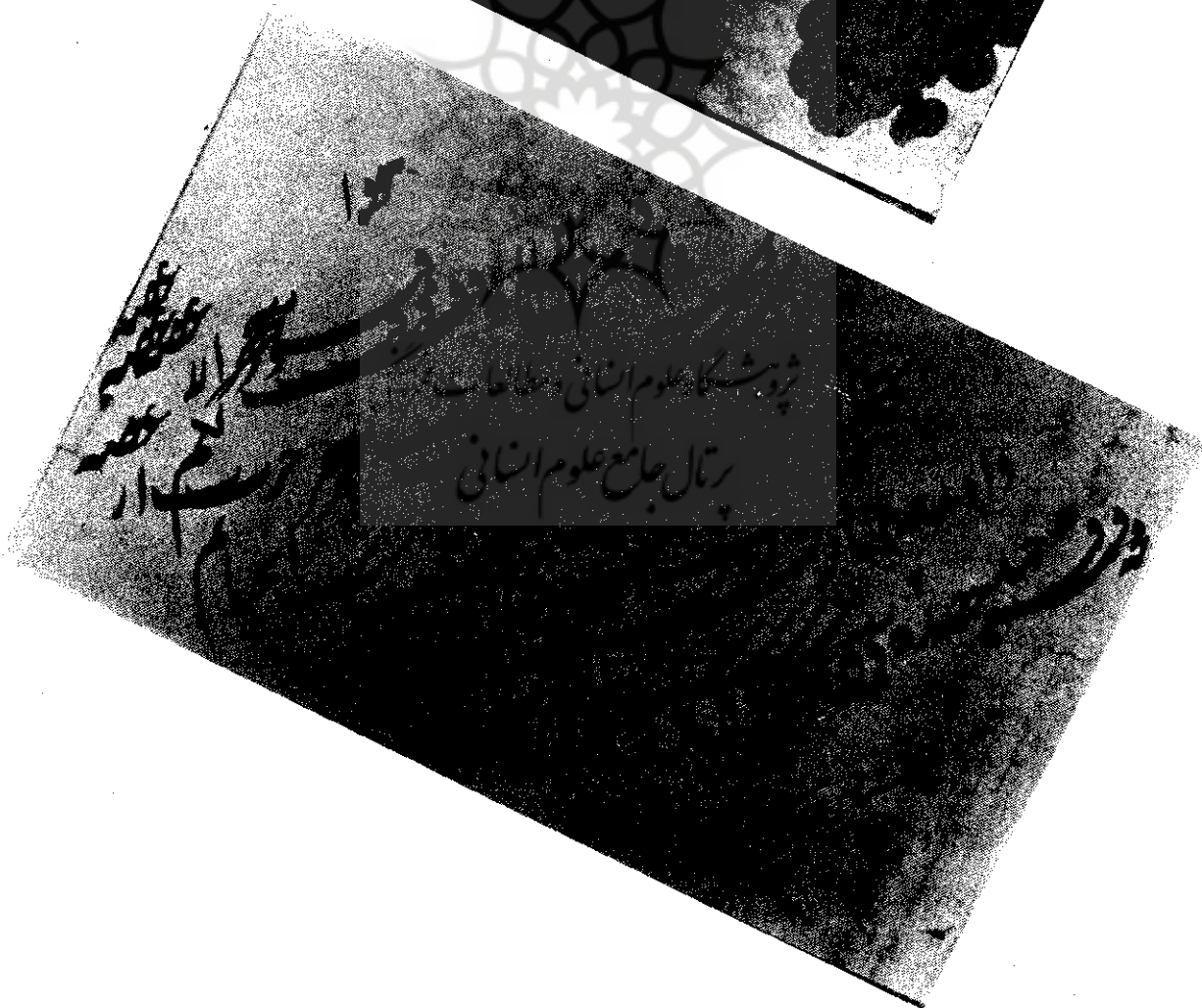
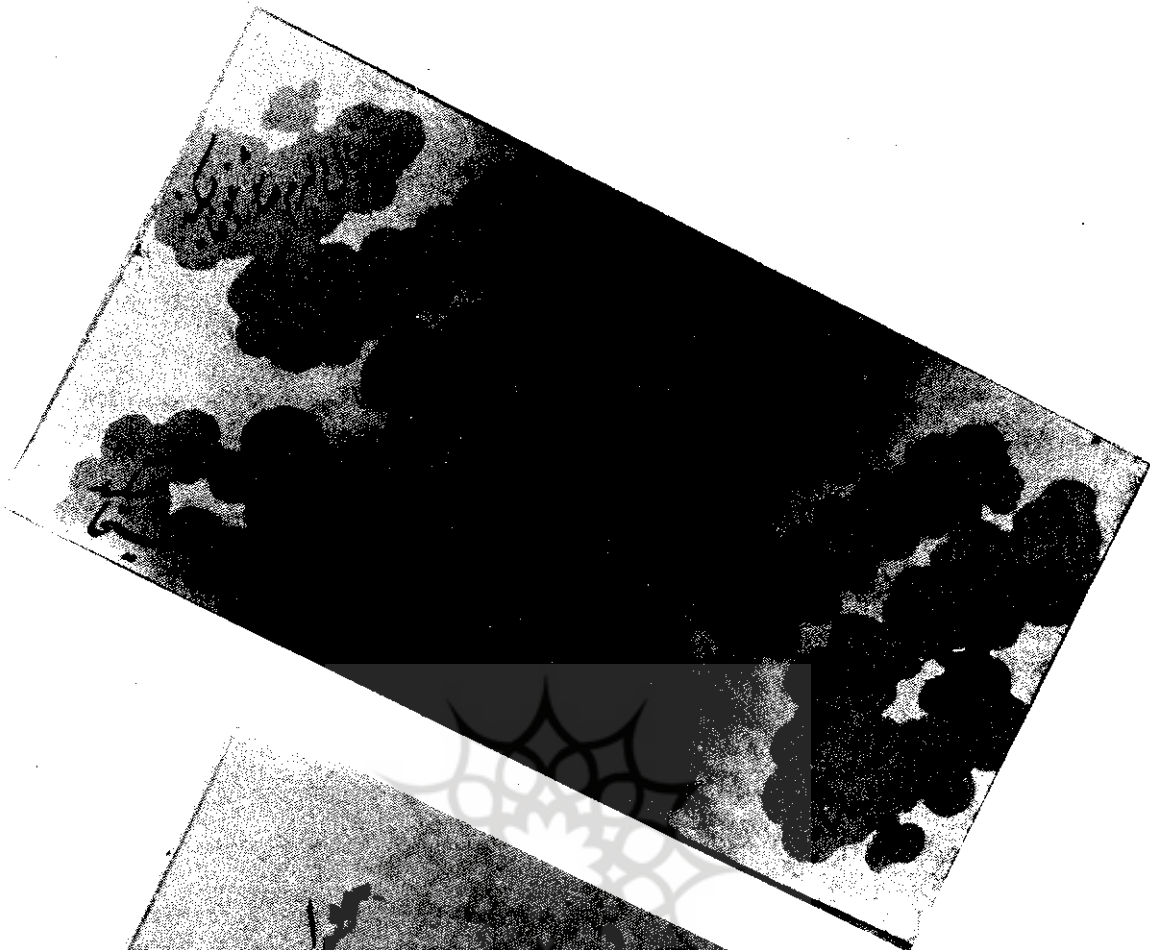
از میان این شیوه‌ها نستعلیق راسی توان از نظر اصالت، زیبایی و کیفیت هنری، برترین دانست به همین دلیل عموماً معیار ارزش کار خطاط را بیشتر در نستعلیق نویسی اوسی دانند. مرحوم سید حسین میرخانی بن مرتضی-

و پنج سال عمر خود را صرف اعتلای هنر خوشنویسی و تعلیم و تدریس آن به علاقه‌مندان کرد. او به حکم ذوق و علاقه به این هنر، سمت استادی کلاس‌های آزاد خوش‌نویسی فرهنگ و هنر و انجمن خوشنویسان ایران را بعهده گرفت و شاگردان بی‌شماری را تعلیم داد، بدون تردید وجود شاگردان فراوان آن بزرگمرد هنر در اعتلای این هنر و کاربرد اسلامی آن و نیز حفظ این ودیعه بسیارگرانها مؤثر بوده و خواهد بود.

در باره محاسن اخلاقی و شیوه خاص او در تدریس بسیار گفته‌اند: علی راهجیری یکی از شاگردان او می‌گوید: «آن مرحوم زحمات فراوانی در راه تعلیم خط به هنرجویان متحمل شد و از نظر تربیت سریع و دقیق شاگردان فراوانی که داشت، استاد و معلمی بی‌مانند بود. از اینرو وی یکی از مظاهر با ارزش در خط و اشاعه خط به شمار می‌رود. در نهاد او وارستگی، خاکساری، بزرگواری نیک‌منشی، خیرخواهی، حس محاوره، حسن فطرت و ده‌ها خصلت نیک دیگر را به‌ودیعہ گذاشته بودند».

مرحوم میرخانی کتاب‌های بسیاری با خط خوش تحریر کرده است که از آن میان می‌توان به بسیاری از کتاب‌های درسی اشاره کرد. اما مهمترین کار استاد در زمینه کتابت دو قرآن است که به‌خط نستعلیق نوشته شده: اولی در سال ۱۳۲۳ و دیگری در سال ۱۳۲۸. کتابت قرآن دوم که در قطع بزرگتری به‌چاپ رسیده است، مدت ۶ سال به طول انجامید. این قرآن به خط درشت‌تر از کتابت تحریر شده است. راهجیری در باره این دو نسخه قرآن می‌گوید: «دو نسخه قرآن کریم به خط نستعلیق بدیده‌ای نو و از ابتکارات جالب و از اهم آثار خطی و از لطایف صنعت و بدایع هنر خط در این عصر محسوب می‌گردد و از استقبال شایان توجه اربابان هنر همواره برخوردار بوده است»

میرخانی به پاس نگارش قرآن کریم موفق به دریافت نشان هنری از وزارت فرهنگ سابق و دانشگاه اسلامی «الازهر» شد. مرحوم میرخانی در خطاطی از دو استاد بزرگ خط «میرزا رضای کلهر» و «عماد الکتاب» تاثیر بسیار گرفت. این دو استاد



دیدارش را داشتند و این نکته از نظر روانی به شاگردان اتکاء به نفس می داد. ضمن اینکه استاد تجربه هائی را نیز از نظر فن کار در این فضای معنوی بهتر می آموخت».

چنانکه گفته شد سرآمدان خطاطی امروز همه شاگردان و دست پروردگان استاد میرخانند و از بیان آنها می توان غلامحسین اسیر-خانی، کیخسرو خروش، فتحعلی واشقانی، محمد احصائی، رضا مافی، محمد سلجشور، سعید شمس انصاری، ناصر جواهر پور، هادی حاج آقا جانی، نصرالله افجه ای، علی راهجیری اویس وفسی، حسن آهنگران و... را نام برد. مرحوم میرخان، قطعه نویسی نبود و بنا به طبیعت و میل خود بیشتر به کتابت علاقه نشان می داد، به همین دلیل از او قطعات خوشنویسی زیادی باقی نمانده است و همان هم که باقی مانده بطور پراکنده در نزد دوستان و آشنایان و شاگردان اوست چرا که قطعات خوشنویسی او اغلب به خواهش آشنایان نوشته شده است و نه بعنوان کار اصلی او. اما باوجود این بعد از دو نسخه قرآن کریم که از شاهکارهای او است باید از دو قطعه نیز یاد کنیم که اهمیت بسیار دارند این قطعات دو قصیده با نام های قرآنی و خاتمیة اثر طبع مرحوم «الهی قمشہای» است که اولی در مدح رسول اکرم (ص) و دومی در مدح حضرت علی (ع) سروده شده است. این قطعات نیز به خط نستعلیق است.

که اولی صدسال پیش و دومی پنجاه سال قبل رخت از جهان بر بستند، از بزرگترین استادان خط نستعلیق در دوران اخیر بودند. میرخانمی توانست جنبه های مثبت کار این استادان را اخذ کند و با روش خاص خود بیامیزد و شیوه تازه ای خلق کند. ویژگی مهم در کار اساتید خط - «کلهر و عمادالکتاب» - ساده کردن شیوه های خط نستعلیق بود. او همچنین از عمادالکتاب اسلوب نگارش را مورد نظر قرار داد که طبق آن کار در کوتاه ترین مدت به نتیجه می رسید، به خلاف قدما که کارشان سالها به طول می انجامید میرخانمی با استفاده از این دوشیوه و افزودن ذوق و ابتکار خود، شیوه خاصی بوجود آورد که امروز برای اهل فن آشنا است و به همین دلیل او را صاحب سبک می دانند.

اما جز شیوه نگارش، میرخانمی صاحب شیوه ای خاص نیز در تعلیم و تدریس خط به شاگردان بود، شیوه ای مبتنی بر ایجاد و حفظ ارتباطی معنوی و اخلاقی میان معلم و شاگرد شیوه ای که میرخانمی با آن توانست در مدت سی سال تدریس خط بیش از پانصد شاگرد تربیت کند.

در مورد شیوه تدریس او استاد غلامحسین امیرخانمی، از شاگردان آن مرحوم می گوید: «او در تربیت شاگرد توفیق بسیار داشت و به همین دلیل بیشترین تعداد شاگرد در خوشنویسی نیز از آن استاد میرخانمی بود. در مدت سی سال که به کار تعلیم خط اشتغال داشت همیشه شاگردانش را که امروز بهترین خطاطان هستند مورد تشویق قرار می داد و چون در تعریف ها و تشویق های او خلوص و صمیمیت و محبت وجود داشت، همه ذوق و شوق

وقت دوستی با دشمنان و دشمنی با دوستان
بسیار دشوار است
و دوستی با دشمنان و دشمنی با دوستان
بسیار دشوار است